

مروژک و نقد جهان مدرن

شرق؛ از اسلاویم مروژک، نویسنده لهستانی، در سال‌های مختلف ترجمه‌های زیادی به فارسی صورت گرفته و به همین خاطر او نویسنده شناخته‌شده‌ای در ایران به‌شمار می‌رود. عمده شهرت او به‌واسطه نمایش‌نامه‌هایش است که جایگاه خاصی در تئاتر لهستان برایش به همراه آورده است. اما مروژک تنها نمایش‌نامه‌نویس نبود. او که در ۲۹ ژوئن سال ۱۹۳۰ در کراکوف لهستان متولد شد، کارش را به‌عنوان روزنامه‌نگار و کارتونست در سال ۱۹۵۱ آغاز کرد و در ۱۹۵۳ اولین رمانش را نوشت. اولین مجموعه داستان او نیز در ۱۹۵۷ با نام «فیل» منتشر شد و خیلی زود به بسیاری از زبان‌های اروپایی ترجمه شد. مروژک در سال ۱۹۵۸ اولین نمایش‌نامه‌اش یا عنوان «پلیس» را منتشر کرد و در پی موفقیت‌های زیادی که در نمایش‌نامه‌نویسی به دست آورد، عمده فعالیتش را در این عرصه پیش برد. محمدرضا خاکی که سال‌ها پیش نمایش‌نامه‌هایی از مروژک به فارسی برگردانده بود، مدتی پیش مجموعه‌ای از داستان‌ها بسیار کوتاه او را در کتابی با عنوان «مروژک جیبی» در نشر مانیاتر منتشر کرد.

او در بخشی از یادداشت ابتدایی کتاب درباره این داستان‌ها نوشته: «در این کتاب،



شمیما بهره‌مند

انواع و اقسام «واقعیت‌های بدیل» می‌تواند ابداع شود تا نشان دهد واقعیت‌ها تغییرپذیرند. دیگر نیازی به بازنویسی تاریخ گذشته نیست تا با واقعیت‌های ساختگی مطابقت یابد، تنها کافی است واقعیت‌های بدیل مدام تکرار شود تا بر افکار عمومی تسلط پیدا کند و مردم این‌واقعیت‌های تغییرپذیر را باور کنند. درست همان‌طورکه جولیا در «هزار و نهصد و هشتاد و چهار» می‌چون‌وچرا پذیرفت که «اقیانوس‌سینه همیشه با اواسیا در جنگ بوده است نه با شرق آسیا» و همچنین ویستن اسمیت در اتاق ۱۰۱ وزارت حقیقت مغزشویی شده است تا باور کند دو به اضافه دو می‌شود پنج.

کتاب «اندیشه اورول: زندگی و نامه‌ها، اسطوره و میراث» نوشته جان رادن، ماجرای قصه دور و دراز روشنفکری را پیگیری می‌کند که از یک ادیب و نویسنده به نهادی با شمایل اسطوره‌ای بدل می‌شود. نویسنده‌ای که «برادر بزرگتر هر روشنفکر است». رادن معتقد است این گفته تالسوتی را که همه نویسندگان مدرن روسیه از زیر رای گوگول بیرون آمده‌اند، می‌توان به اورول تعمیم داد و ادعا کرد که روشنفکران برجسته بعد از ۱۹۵۰ همه از زیر رای اورول بیرون آمده‌اند. یا بهتر است بگوییم از زیر پوتین‌های عظیمش: «درواقع می‌توان از یک خانواده روشنفکری سخن گفت که چنان تحت تأثیر نوشته‌های او هستند که احساس می‌کنند اولاد اویند». اما اگر اورول برای نسلی از روشنفکران، برادر بزرگتر خیراندیش به شمار می‌رود، به طرز متناقضی، جماعتی از روشنفکران از او نفرت داشتند و اورول را روشنفکری می‌خواند که از روشنفکران بیزار بود. نیروهایی در گذشته به انتظار مانده‌اند تا اکنون شوند، به زبان بنیامینی «میان نسل‌های گذشته و نسل حاضر توافقی سَری وجود دارد» و گوئی در این کره خاکی برخی منظر ورود ما بوده‌اند و ما مردم به‌مانه سوزِده‌های سیاسی درست مانند نسل‌هایی که بر ما تقدم داشتند، از نیروهای برخورداریم که گذشته نسبت بدان حق و حقوقی دارد و احقاق این حق البته به بهایی ارزان ممکن نیست. توافقی سری نسل گذشته و حاضر در مورد «هزار و نهصد و هشتاد و چهار»، «در روزی تاناک و سرد در ژانویه ۲۰۱۷» مصادف با شصت‌وششمین سالروز درگذشت جورج اورول پدیدار می‌شود، روزی که درست مانند «هزار و نهصد و هشتاد و چهار» از آینده‌ای شوم خبر می‌دهد. «در یک بازنگری، شمارش معکوس اورولی به روز شروع کار رئیس‌جمهور برمی‌گردد. پیروزی حیرت‌انگیز ترامپ، انفجاری غیرمنظر در علاقه مردم به این داستان پرتاریخیت، به‌صورتی‌که چاپ آن با جلد نرم ظرف شش هفته به ۱۰ برابر رسید. در شب مراسم تحلیف، این کتاب در فهرست پرفروش‌های آمازون بین رتبه‌های پنج و هفت بود. بعد از مراسم و اظهارنظرهایی بحث‌برانگیز که مقامات جدید بسر بیان راندند، به رتبه دو صعود کرد، و در صبح ۲۵ ژانویه در جایگاه اول قرار داشت». انکار مردم به پیشگویی اورول بازگشتند تا بدانند قرار است چه بر سرشان بیاید. رادن ادامه می‌دهد: «به‌سرعت جلو برویم، به شش

گریده‌ای از بهترین داستان‌های کوتاه اسلاویم مروژک، نویسنده نامدار لهستانی، با زیرعنوان رندانه داستان‌های بی‌فایده اما ضروری گردآوری شده است. بی‌فایده، زیرا به گمان نویسنده هیچ معلوم نیست که به درد کسی خواهند خورد اما ضروری برای اینکه به گمان من، راه‌های زنده‌ماندن و زندگی‌کردن در جامعه‌ای دیوانه و بی‌منطق را نشان می‌دهند». در ۳۸ داستانی که در این کتاب گرد آمده‌اند، نقاشی‌هایی از شاول، کاریکاتورست برجسته فرانسوی هم منتشر شده است.

مروژک در این داستان‌ها اغلب از طریق توصیف موقعیتی آمیخته از واقعیت و تخیل، باورها یا تصورات غالب و مرسومی را که طبیعی فرض می‌شوند، به چالش می‌کشد و درواقع با نگاهی انتقادی از منظری متفاوت به این موقعیت‌ها می‌نگرد. در یکی از داستان‌ها با نام «تمدن»، به‌واسطه توصیف موقعیتی تخیلی یکی از مهم‌ترین کلیشه‌ها و باورهایی که درباره جهان متمدن و مدرن وجود دارد، به چالش کشیده شده است. در اینجا، تمساحی وارد اتاق آدمی شده که داستان او را «اروپایی» می‌نامد. عقل‌گرایی و دوری از افراط‌گرایی که واژه‌هایی مختص به جهان غرب فرض می‌شوند، در این داستان به

در آمدی بر «اندیشه اورول: زندگی و نامه‌ها، اسطوره و میراث»

برادر بزرگ روشنفکران

ماه بعد: برادر بزرگ‌تر، به برادری خوش آمدی! در ۲۲ ژوئن، یک اجرای انگلیسی از ۱۹۸۴ به‌عنوان اولین برنامه مهم فصل ۲۰۱۷–۲۰۱۸ تئاتر هادسن در سالن تازه تعمیرشده این تماشاخانه به نمایش درآمد. «بازگشتِ شیخ اورول به صحنه‌های سراسر انگلستان و سرایت آن به آمریکا و تئاتر شکسپیر در پایتخت این کشور بیره نبود. نمایش ۱۹۸۴ که در برادری ماه‌ها ادامه داشت، هجویه‌ای بر سیاست‌های ترامپ بود که سعی داشت «واقعیت‌های بدیل» را به خورد ملت‌های جهان بدهد. رمانی که از مخاطرات توتالیتریسم در هر قاپ و قالبی، آلمان هیتلری یا شوروی استالینی در روزگار خودش خبر می‌داد، اینک «معاصر» شده بود. شاید حق با کمونیست‌های متعصب هم‌دوره اورول بود که او را مخالفی ناپهنگام می‌خوانند: چه‌آنکه به قبول رولان بارت «معاصر، نابهنگام است». «آن که به‌راستی به عصر خویش تعلق دارد، یک معاصر واقعی، کسی است که به‌تنامی، هم‌آیند با زمانه خویش نیست و به ادعاهای آن نمی‌چسبد؛ این بدین معناست که او خود را ناپهنگام معرفی می‌کند، اما دقیقاً به‌واسطه همین شکاف و همین ناهم‌زمانی تاریخی است که او در قیاس با دیگران، استعداد بیشتری برای درک زمانه خویش دارد». این بار نیروهایی از گذشته احضار شدند تا حفره حافظه تاریخی را نشانه برند.

«هزار و نهصد و هشتاد و چهار» به تعبیر رادن، هجویه‌ای ضد ناکجاآباد است که دیکتاتوری ترسنساک و چهار، برادر بزرگ‌تر، را به تصویر می‌کشد. «غولی توتالیتر و بانوس چهره، معجونی کره‌المنظر از هیتلر و استالین». یا «کاریکاتوری از آنچه اورول می‌ترسید در زمانه او سرنوشت دموکراسی‌های غربی باشد» و به باور رادن، به دوران معاصر سرایت کرده است. با اینکه اورول مانند همنای فرانسوی خود کامو، در شمار «مردان جناح چپ» ماند، همواره نسبت به این جریان سیاسی دید انتقادی داشت. «چپ بریتانیا اورول را به باد انتقاد گرفت چون رهبران شوروی را به خود‌ها تشبیه کرده و استالین را برادر بزرگ‌تر لقب داده بود». با این اوصاف، «هزار و نهصد و هشتاد و چهار» رویکردی روشنگرانه و پیشگویانه داشت؛ به خاطر هشدارهای آن علیه قدرت زیاده از حد دولت، دخالت‌ها در زندگی خصوصی، تجاوزها به آزادی، نادیده‌گرفتن‌های حقوق بشر و پاک‌سازی زان.

جان رادن در کتاب خود، جورج اورول را مهم‌ترین نویسنده بعد از شکسپیر می‌خواند و باور دارد که او پرنفوذترین نویسنده‌ای است که تاکنون زیسته است. او با این ادعا جسورانه بر نفوذ فرهنگی اورول تأکید می‌کند و معتقد است هیچ نویسنده‌ای تا این حد جنجالی نبوده و کلمات و عباراتش در فرهنگ عوام و خواص نفوذ نکرده است». «من نمی‌گویم او بزرگ‌ترین نویسنده خیال‌پرداز است، یا بهترین داستان‌نویسان نسل خود است. حتی منظوم این نیست که پرفروش‌ترین نویسنده تمام اعصار است. هیچ ادعای رقیعی هم نسبت به کیفیت ذاتی آثار او در مقابل نویسندگان دیگر ندارم. بلکه به‌سادگی، درباره تأثیر فرهنگی و چگونگی نفوذ او صحبت می‌کنم». رادن مدعی است که هیچ نویسنده انگلیسی‌زبانی در نسل‌های اخیر تا این حد مورد جدل و الهام‌بخش نویسندگان بعد از خود نبوده است. مهم‌تر از آن، از هیچ نویسنده و روشنفکری قبل یا بعد از اورول، تا این حد کلمات و عبارات نقل نشده است. «برادر بزرگ‌تر مراقب توست! مشهورترین نقل‌قول درکشد در ادبیات قرن بیستم است. و هیچ رقیبی هم از این جهت حتی به آن نزدیک نشده است.»

واسطه طنزی درخشان به پرشش کشیده شده‌اند: «وقتی که تمساح داخل اتاقم شد، به خودم گفتم که نباید اغراق کنم. من در فکر تمساح نبودم بلکه به خودم فکر می‌کردم؛ برای اینکه اولین عکس‌العمل من برداشتن گوشی تلفن و گرفتن سه شماره اضطراری بود: پلیس، آتش‌نشانی و آمبولانس. اما دقیقاً همین عکس‌العمل، به نظرم اغراق‌آمیز می‌آمد. از آنجایی که من یک اروپایی تربیت‌شده با منطق دکارتی هستم، از افراط‌گرایی خوشم نمی‌آید؛ من عقلانی می‌اندیشم و هرگز تسلیم هیچ انگیزی–بدون آنکه ابتدا تحلیلش کنم– نمی‌شوم. بنابراین، سرم را زیر پتو بردم و خودم را مشغول یک کار روشنفکرانه کردم». انتقاد از زندگی ماشینی و ازبیم‌رقتن عاملیت انسان‌ها به نام قانون‌گرایی از مضامینی هستند که مروژک توانسته در چند سطر و از خلال روایت موقعیتی طنزآمیز مطرح کند. بی‌عملی و هیچ کاری نکردن تنها مواجهه آدم اروپایی با تمساحی است که وارد اتاقش شده: «من زنده‌بودن دست‌هایم را پنهان می‌کردم. اعتراف می‌کنم رفتار بی‌رحمانه‌ای داشته‌ام و در آن، تحت‌تأثیر هیجانی کنترل‌نشده عمل کرده‌ام.



اعتراف می‌کنم که به‌جای اعتمادکردن به نهادهای قانونی، به میل خودم رفتار کرده‌ام». همان‌طورکه اشاره شد از مروژک تاکنون ترجمه‌های متعددی به فارسی انجام شده و محمدرضا خاکی یکی از مترجمان او در ایران است که بیش‌تر برخی از نمایش‌نامه‌های او نظیر «پرتره» و «خیاط» را به فارسی برگردانده بود. در نمایش‌نامه «خیاط» که در سال ۱۹۶۴ نوشته شد، تناقض‌های جهان معاصر و مسئله اصل و بدل روایت شده است. در این نمایش‌نامه سه‌پرده‌ای که اولین‌بار در سال ۱۹۷۷ منتشر شد، مروژک با شیوه سرشار از طنز و تمسخر و با لحن هجوآمیز و گزنده‌ای که خاص نمایش‌نامه‌های اوست، به طرح پرسش‌های جدی و جهان‌شمول پیرامون جایگاه و نقش فرهنگ، تغییر مسیر در جنبش‌های اجتماعی، ادعای بازگشت به طبیعت و حفظ محیط‌زیست و خرابکاری‌ها و دام و تله‌های مدعیان دروغ‌گو و جعلی این بازگشت، می‌پردازد. «پرتره» هم نمایش‌نامه‌ای است که باز به مسئله‌ای معاصر مربوط است و با یک اتفاق هولناک عاشقانه آغاز می‌شود و با خیانت و زندانی‌شدن و اعدام ادامه می‌یابد.

مروری بررمان «بهشت ودوزخ» نوشته جعفر مدرس صادقی

نقطه کور تاریخ

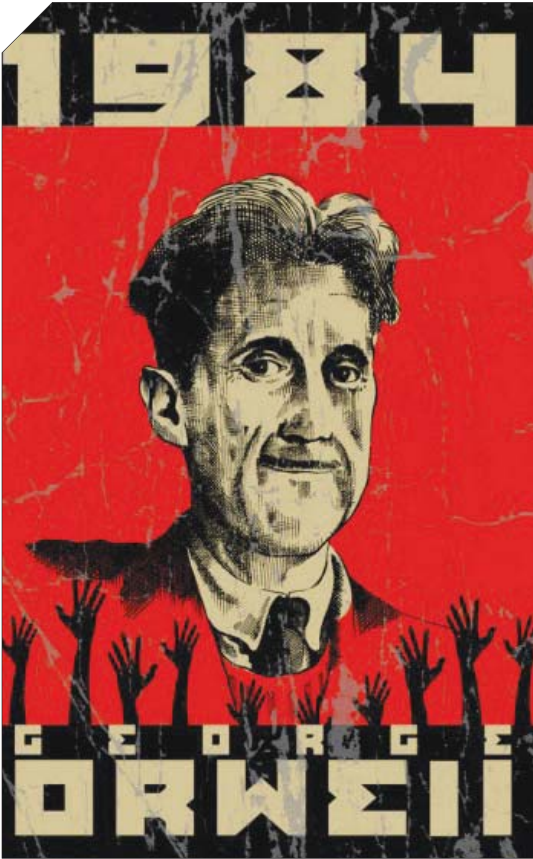
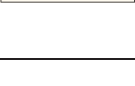
محمدمعین شرقانی: در تاریخ ادبیات فارسی رمان و داستان‌های بسیاری بر پایه وقایع تاریخی نوشته شده است؛ رمان «شمس و طغر» نوشته محمداقبر میرزا خسروی که به‌نوعی اولین رمان تاریخ ادبیات فارسی ما به شمار می‌آید، با موضوعی تاریخی نگارش شده است. یکی از معروف‌ترین رمان‌های دیگری که بر پایه تاریخ نوشته شده، رمان «پیامبر» نوشته زین‌العابدین رهنماست. با شروع تاریخ داستان‌نویسی رمان و داستان‌های دیگری هم بر پایه وقایع تاریخی با رویکرد متفاوت نوشته شد که این موضوع خود به یک ژانر تبدیل شد اما اینکه چگونه موضوع تاریخی را به رمان تبدیل کنیم به عوامل بسیاری ربط دارد و طیف گسترده‌ای را در بر می‌گردد؛ آن‌قدر که زیر ژانرهای فانتزی و علمی–تخیلی را هم پوشش می‌دهد. این ژانر (تاریخ) در چند سال گذشته بیشتر مورد توجه نویسندگان چه در ایران و چه در کشورهای دیگر قرار گرفته است. رمان‌های خاصی هم در چند سال گذشته از نویسندگان منتشر شده است مانند «مردگان جزیره موریس» نوشته فرهاد کشوری، «شکوفه‌های عناب» نوشته رضا جولایی و یکی از نوولاهای مهم ادبیات فارسی «شازده احتجاب» نوشته هوشنگ گلشیری. البته نمی‌توان نقش آثاری مثل «تاریخ بیهقی» و «تذکره الاولیاء» را بر ادبیات فارسی علی‌الخصوص رمان‌هایی در این دسته نادیده گرفت، دو اثر مهم و مشهور که قصه، روایت، تاریخ و شخصیت‌های تاریخی را به خوبی تعریف می‌کند. می‌توان به‌طورکلی گفت دو نوع رمان تاریخی بر اساس نوع روایت وجود دارد: اول، روایت بر اساس زندگی یک شخص یا خانواده و دوم، روایت بر اساس یک واقعه تاریخی. در مورد یکم روایت بر اساس زندگی شخص که نقشی مهم یا نیمه‌مهم در تاریخ داشته نوشته می‌شود، که بیشتر جنبه زندگی‌نامه پیدا می‌کند البته زندگی‌نامه‌ای که حول محور وقایع تاریخ مورد نظر نگارش می‌شود. در مورد دوم روایت دقیقاً بر اساس تاریخ است، با این تفاوت نسبت به اصل تاریخ کل شخصیت‌پردازی، فضاسازی و علی‌الخصوص نثر رمان و کتاب تاریخی را از هم تفکیک می‌کند. ک نویسندگان بسیاری با گذشت زمان مورد دوم را دستخوش تغییراتی کرده‌اند. مثلاً واقعه‌های مختلفی را کنار هم قرار می‌دهند یا شکل روایت را از منظر شخصیت‌های متفاوت به مخاطب ارائه می‌کنند. این مقدمه برای رسیدن به بن‌مایه رمانی است که گام مهم در ژانر تاریخی برداشته است؛ رمان «بهشت و دوزخ» در میان آثار جعفر مدرس‌صادقی به نسبت دیگر رمان‌های او تفاوت زیادی دارد. این نویسنده معاصر که با رمان «گاوخونی» به شهرت فراوان رسید، در این رمان به سراغ زندگی دکتر محمد مصدق رفته است و بخشی از زندگی او را مورد توجه قرار داده و با تکنیک و فرم کاملاً ادبی آمیخته کرده است و با نثری متناسب با آن دوره این اثر را ارائه می‌کند. این رمان تنها رمان تاریخی جعفر مدرس‌صادقی است. «دکتر تکیه داده بود به در، پاهاش را دراز کرده بود و پتو را کشیده بود روی خودش. هیچ سرایی از سر پاسبان نگرفته بود و یک کلمه هم نرسیده بود که چرا ما چهار نفریم و چرا هیچ مأمور دیگری به جای سرپاسانه با ما نفرستادند. فقط پیدا بود که از این که جای نخست و لم‌دانش بازتار شده است و پاهاش را می‌تواند دراز کند، خیلی دارد کیف می‌کند» (صفحه ۱۰۲، فصل یازدهم). رمان «بهشت و دوزخ» به زندانی‌شدن دکتر مصدق و تبعید او به بیرجند اشاره دارد. مدرس‌صادقی در دیگر آثار خود مثل «گاوخونی»، «شاه‌کلید»، «ناکجا‌باده» از فرم انتزاعی مبتنی بر روایت استفاده می‌کند، در این اثر هم این فرم را به کار می‌گیرد. قسمت بیشتر این رمان در جاده می‌گذرد و می‌شود گفت یک رمان جاده‌ای هم هست. قصه با خدیجه دختر کوچک مصدق آغاز و درنهایت به وقایع دستگیری و تبعید مصدق پرداخته می‌شود. کاری که جعفر مدرس‌صادقی انجام می‌دهد، رفتن به نقطه‌ای از تاریخ است که شاید توجه کسی را جلب نکرده باشد. روایت‌های متفاوتی از دستگیری محمد مصدق در سال ۱۳۱۹ وجود دارد اما روایتی از مسیر رسیدن او به بیرجند و زندانی‌شدنش و… در دسترس نیست، با اگر هم باشد بسیار خلاصه و تیتروار است. همه نکات نشان می‌دهد رمان «بهشت و دوزخ» از آثار شاخص ادبیات در ژانر تاریخ است. انتخاب واقعه و به کار گرفتن ایده تا پرداخت آن، همه به‌خوبی توانسته روایت را کامل کند.



بهشت و دوزخ

جعفر مدرسی‌صادقی

نشر مرکز



اندیشه اورول

زندگی و نامه‌ها، اسطوره و میراث

جان رادن

ترجمه هرمز همایون‌پور

انتشارات فرهنگ جاوید

اورول، جوهر و ذات سوسیالیسم را نبرد برای آزادی و عدالت می‌دانست و از برخورد محافظه‌کاران با «مزرعه حیوانات» و «هزار و نهصد و هشتاد و چهار» به‌شدت ناراحت بود و این ادعا را که آتارش سوسیالیستی است، بیره می‌دانست. به‌زعم رادن، آنچه توان انتقادات اورول را بیشتر می‌کرد، این واقعیت بود که «اعتبارنامه دست‌چپی او از هرگونه تردیدی برکنار بود». مرگ زودرس او در دوران «وحشت‌سرخ» به سوءتعبیرهای دست‌راستی دامن زد. اگر چه نگوهش سوسیالیسم هرگز هدف اصلی اورول نبود اما تا مدت‌ها از سوی مارکسیست‌های دست‌چپی «سوسیالیست فرصت‌طلب» خوانده شد. اورول به‌خاطر نقشه‌ای که از ساختارهای توتالیتر راست و چپ به دست داد و به این اعتبار که در «هزار و نهصد و هشتاد و چهار» به زبان حقیقت از قدرت سخن گفت، به «وجدان جناح چپ» بدل شد تا «توجه‌گیر» ستم زمانه خود نباشد. رونق دوباره اورول میان مردم در زمانه ترامپ نیز این حقیقت را افشا می‌کند که ۱۹۸۴ همچنان ادامه دارد و «واقعیت‌های بدیل» در راهند.



مکان‌هایی خاص موقعیت می‌یابند، هویت‌ها را «بازتولید»، روابط را «موقعیت‌مند» و «فقدان» تولید می‌کنند» (همان، ۴۳). منظور مؤلف از «مکان شبکه‌ها»، ساحت‌های مادی و ابعاد مکانی است که در آن تعامل‌ها روی می‌دهند و اینکه چگونه پیوندها در رابطه با مکان‌های خاص تعالی یا موقعیت می‌یابد. مکان‌های مادی روی وسعت، دامنه و بسامد تعامل‌ها می‌گذرد و «مکان عینی» را به «مکان ارتباطی» تبدیل می‌کنند…» (همان، ۴۳–۴۲). درواقع شبکه‌ها ابزارهایی هستند که کنشگران و نهادها با مدد آن‌ها نامی به هم می‌زنند، بر سر قیمت‌ها صحبت می‌کنند، اطلاعات را ارزیابی می‌کنند، اختلافات را حل‌وفصل می‌کنند و در همه اقتصادها به‌ویژه در زمینه‌هایی که اطلاعات پراکنده و نامتقارن هستند، دارایی‌ها را جایه‌جا می‌کنند.

۲) دستورات دولت: پاسخ‌های بازار

«برنامه‌های تحولی دولت، خود را در دو چیز عیان می‌کند: ۱) محیط وزمنیه سازمانی (۲) محل شبکه‌های بازار تهران از طریق مهبازگردن فرصت‌ها و محدودیت برای روابط تجاری و شکل‌دادن نظارت در درون بازار. نخست زمینه سازمانی شبکه‌ها به سیاست مؤلفه‌های حقوقی‌ای (قوانین صادرات– واردات، باران‌ها، پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری و نمایندگی‌ها و شرکت‌های حکومتی) برمی‌گردد که با ایجاد و قدرت‌بخشیدن به کنشگران و اجازه‌دادن و محدودکردن کنش‌ها درهم تیدهند…» (همان، ۴۶). مؤلف نشان می‌دهد اقتصادی دیکته می‌شوند… شبکه‌ها می‌توانند مشاغل یا کارگزارهای

بازار به هم نزدیک کرده‌اند (همان، ۴۵–۴۴).

نکته دیگر اینکه «در دوران جمهوری اسلامی… توزیع رانت‌ها بیشتر براساس هویت‌های فردی بوده تا صنفی… رژیم پسانقلابی میان بازارهای انقلابی یا متعهد و کسانی که چنین نیستند، تفاوت قائل شد… به‌این‌ترتیب حمایت فردی شبکه رابطه‌ای، بازاری‌ها را تضعیف کرده، اختلافات درونی را دامن زده و در نتیجه همبستگی درونی و هویت گروهی‌شان را تضعیف کرده است. افزون بر این، سیاست‌های نظام به یکپارچگی بازار منجر شده است؛ بازاری‌ها با نهادها و سازمان‌های حکومتی فراوانی روبه‌رو هستند که الگوی تجارت و قدرت اقتصادی را تغییر می‌دهند…» (همان، ۳۸۲). با وجود اینکه بازاری‌ها می‌توانند در برخی اصول بنیادین دموکراسی–تساوی در برابر قانون و ایجاد کاربست سیاست‌های عمومی برپایه منافع جمعی و نه فردی–با فقدان دموکراسی‌خواه یا گروه‌های اصلاح‌طلب، منافع مشترک داشته باشند و با وجود برخی ناراضیاتی‌ها و مخالفت‌ها در بازار؛ این ناراضیاتی به‌تهنایی بسج سیاسی را تضمین نمی‌کند. درواقع از آنجا که ساختار بسیج‌گر بازار، که از حیث شکل حکمرانی درک می‌شود، تغییر یافته

است، دیگر بازار «متحد» نیست؛ بنابراین مغازه‌ها باز می‌مانند و بازار به لحاظ سیاسی آرام است» (همان، ۳۷۰).

چاپ دوم کتاب «بازار و دولت در ایران: سیاست در بازار تهران» اثر آرنگ کشاورزی و ترجمه ابراهیم اسکافی از سنوی نشر سبازده در ۳۹۰ صفحه و در قطع رقعی در سال ۱۴۰۱ منتشر شده است.

برای خرید کتاب می‌توانید از طریق صفحه اینستاگرام برک‌پیک اقدام کنید.

